

## مقدمه

«طول امل» یا آرزوهای طولانی، که امکان تحقق آنها وجود ندارد، یکی از خطرات و موانع بزرگ بر سر راه پیشرفت انسان است؛ زیرا افکار انسان را به خود مشغول کرده، او را از حرکت باز می‌دارد.

از آن‌رو که آرزوهای بی‌پایه ذهن و افکار انسان را مشغول کرده، او را از تفکر صحیح، برنامه‌ریزی، همت، تلاش و آینده‌نگری باز می‌دارد، از جمله خطرات بزرگ محسوب می‌شود. یکی از تفاوت‌های اصلی انسان با حیوان، تفکر است و آرزوهای طولانی بر حوزه تفکر خدشه وارد می‌سازد. از این‌رو، امام علی علیه السلام در سخنان خود، آدمی را مکرر از آن برحذر می‌دارند و راه‌هایی برای مهار و درمان این عامل تخریب ذهن ارائه می‌دهند.

این پژوهش به روش «توصیفی-تحلیلی» با تأکید بر سخنان امام علی علیه السلام صورت گرفته است. این مقاله ابتدا مفهوم و ویژگی‌های «طول امل» را ذکر می‌کند، سپس با توجه به سخنان امام اول شیعیان، راه‌کاری سه‌مرحله‌ای برای کنترل و درمان آن ارائه می‌دهد.

## معنا و مفهوم «طول امل»

«امل» به معنای ترقب (انتظار کشیدن)، (مقدی غیومی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۲)؛ تثبت و انتظار (ابن فارس، ۱۴۱۸ق، ص ۸۹) و رجاء (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۴۸؛ فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۰۴؛ جوهری، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۶۲۷) و ضد یأس است (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۰۳). به عبارت دیگر، «امل» چشم دوختن به آن چیزی است که پیش روی امیدوار قرار می‌گیرد (شارحی از قرن هشتم، ۱۳۷۵، ص ۳۵۰، ذیل خطبه ۲۸).

«طول امل» یک اصطلاح روایی بوده و عبارت است از: انتظار امور دنیایی که برای رسیدن به نتیجه، به مدت زمان زیادی احتیاج دارد (هاشمی خوبی، ۱۳۵۸، ج ۴، ص ۲۰۱). یا منظور از آن امور دوست‌داشتنی از لذت‌های نابودشونده است که لازم‌ه‌اش سیاهی نفس و فراموشی آخرت است (شارحی از قرن هشتم، ۱۳۷۵، ص ۴۶۹).

بنابراین، می‌توان گفت: «طول امل» عبارت است از: آرزوهای دور و دراز، داشتن لذت‌های نابودشونده دنیوی که برای تحقق به مدت زمان زیادی نیاز دارد. طبق آیات قرآن و سخنان امام علی علیه السلام این عامل یکی از شگردهای شیطان و نفس اماره است و با هوارپستی رابطه‌ای مستقیم دارد.

منابع اسلامی نمونه‌هایی از آرزوهای طولانی را برشمرده‌اند که هم در دنیا کاربرد دارد و هم در آخرت. برای مثال، قرآن یکی از آرزوهای طولانی یهود در دنیا را داشتن عمر هزار ساله می‌داند

## آرزوهای طولانی و فرایند مهار آن در اندیشه علوی

محمد مهدی مشکاتی / استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

محمد نجفی / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

سمیه برزو اصفهانی / کارشناس ارشد معارف نهج البلاغه دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان sh\_borzo@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۱

## چکیده

«طول امل» یا آرزوی طولانی نوعی بلندپروازی است که آثار زیان‌باری بر تمام ابعاد زندگی، اعم از مادی و معنوی بر جای می‌گذارد و سرانجام فراموشی مبدأ و معاد را به همراه دارد که مایه هلاکت و نابودی انسان می‌گردد. به این موضوع در سخنان امام علی علیه السلام فراوان تأکید شده است. به هر روی، انسان آرزوهایی دارد. بدین‌رو، لازم است آنها را مهار کند تا گرفتار بیماری مهلک «طول امل» نگردد. این نوشتار درصدد بیان راه‌های پیش‌گیری از ابتلای به این آفت روانی و درمان آن در صورت ابتلاست. یافته پژوهش مبین آن است که مهار و درمان طول امل طی سه مرحله متوالی صورت می‌گیرد: در مرحله اول، انسان باید به نگرش صحیح نسبت به خود، جهان پیرامون و خالق یکتا دست یابد. در مرحله دوم، به گزینش و ارزیابی آرزوها اقدام کند و آرزوهای گزینش شده را به اهداف قابل دسترس تبدیل سازد. در مرحله سوم، به برنامه‌ریزی و تلاش برای رسیدن به اهداف خود مبادرت ورزد و از اتلاف وقت پرهیز کند.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، آرزو، امل، شناخت، مهار.

(بقره: ۹۶). همچنین آرزوی کافران در روز قیامت مبنی بر اینکه نابود شوند یکی از انواع طول امل در سرای دیگر است (نساء: ۴۲) که به هیچ عنوان، امکان تحقق آن وجود ندارد.

### ویژگی‌های طول امل از منظر امام علی

۱. **کاذب بودن:** طول امل به انسان وعده دروغ می‌دهد؛ زیرا:

الف. به مدت زمان زیادی احتیاج دارد که گاهی سال‌ها بیش از عمر انسان طول می‌کشد.

ب. هرگاه انسان به یکی از آرزوهای خود جامعه عمل ببوشاند، آتش عشق آرزوی دیگری در دل او زبانه می‌کشد و نیروهایش را برای وصول به آن بسیج می‌کند. این روند تا زمان مرگ ادامه می‌یابد، به‌گونه‌ای که تنها اجل آرزوهای انسان را قطع می‌کند و او را از رسیدن به نتیجه مطلوب باز می‌دارد.

۲. **فرب‌دهندگی:** فربنده‌ترین فریبنده‌ها آرزوست؛ زیرا موجب می‌شود انسان سرمایه گران‌بهای عمر را از دست داده، آن را در راه به دست آوردن آرزوهای دراز صرف کند. کسانی که مبتلا به طول امل هستند، بدون تهیه توشه برای آخرت، به سرای دیگر می‌روند و اسباب نابودی خود را فراهم می‌آورند.

۳. **عامل کم‌کاری:** داشتن آرزوهای دراز و سوار شدن بر مرکب خیال، از ویژگی‌های اشخاص ضعیف است. کسانی که خود را با خیالات واهی سرگرم می‌سازند کمتر به کار و فعالیت توجه می‌کنند؛ زیرا در انسان مقداری معین از نیروی مغزی و عضلانی وجود دارد که اگر در مسیر آرزوهای نکوهیده و دور و دراز مصرف شود دیگر مجالی برای تلاش، حرکت و تفکر صحیح باقی نمی‌ماند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا أَطَالَ أَحَدٌ فِي الْأَمَلِ إِلَّا قَصُرَ فِي الْعَمَلِ»؛ هیچ‌کس نیست که آرزویش را طولانی کند، جز آنکه در عمل کوتاهی می‌نماید (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۳، ح ۲۵/۶۱۷).

۴. **عامل عمل زشت:** طول امل نه تنها کم‌کاری، بلکه رفتار زشت را نیز به دنبال دارد و انسان را به انواع گناهان دعوت می‌کند؛ زیرا رسیدن به آرزوهای طولانی غالباً از طریق مشروع غیرممکن و گاهی مشکل است. برای نمونه، گرفتاران این رذیله اخلاقی خود را ناگزیر می‌بینند که در کسب درآمدها چشم برهم نهند و حلال و حرام را شناسایی نکنند و از غصب حقوق دیگران، خوردن اموال یتیمان، کم‌فروشی، رباخواری، رشوه و مانند این امور ابا نداشته باشند.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلَ»؛ کسی که آرزویش را طولانی کند عملش را بد خواهد کرد (سید رضی، ۱۳۹۱، حکمت ۳۶. شبیه این حدیث در

جاهای دیگر نیز آمده است: ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۰، ص ۱۶۶، باب ۱۲۸؛ کلینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۵۹، باب النوادر؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۰۴).

۵. **تأخیر در توبه:** دل‌مشغولی به آرزوهای دراز انسان را از تفکر در بی‌اعتباری دنیا و یاد مرگ باز می‌دارد که این عوامل، تأخیر در انجام توبه را به همراه دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بَعِيرَ عَمَلٍ وَيُسَوِّفُ التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولُ الزَّاهِدِينَ وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّأغِبِينَ»؛ از کسانی مباش که بدون عمل، امید سعادت آخرت را دارند و توبه را با آرزوهای دراز تأخیر می‌اندازند. درباره دنیا همچون زاهدان سخن می‌گویند، ولی همچون دنیاپرستان عمل می‌کنند (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۱۶، ح ۱۲۳/۷۲۸۲).

۶. **عامل فراموشی آخرت:** امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های **نهج البلاغه** درباره طول امل می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَثْنَانِ: أَتْبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا أَتْبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ»؛ ای مردم، بیشترین چیزی که از آن بر شما ترسانم دو چیز است: پیروی از هوا و هوس، و آرزوهای طولانی. اما پیروی از هوا و هوس انسان را از راه حق باز می‌دارد، و آرزوهای طولانی آخرت را به دست فراموشی می‌سپارد (سید رضی، ۱۳۹۱، خطبه ۱/۴۲).

بررسی روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد که امیر مؤمنان علی علیه السلام این سخن را از استاد بزرگ و پیشوایش، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله اقتباس کرده است که فرمودند:

«إِنَّ أَشَدَّ (شَرًّا) مَا أَنْخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنْهُ أَتْبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ؛ فَإِنَّ أَتْبَاعَ الْهَوَىٰ يَصُدُّ (يَصْرِفُ قُلُوبَكُمْ) عَنِ الْحَقِّ وَطُولُ الْأَمَلِ يُنْسِي الْآخِرَةَ (طُولُ الْأَمَلِ يَصْرِفُ هِمَمَكُمْ إِلَى الدُّنْيَا) (دبلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۴، ص ۱۹۰).

علامه جعفری در شرح این حدیث می‌نویسد:

آری، آرزوها یک امواج زودگذر و ناپایدار مغزی نیستند که لحظاتی سر بر کشند و سپس فرو بنشینند، بلکه آرزوها همواره سطوح روانی امروز را، که رویاروی حقایق و واقعیات و متأثر از آنهاست، می‌تراشد و می‌خراشد و قشری از مفاهیم حقیقت‌نما و مطلوب‌نما در آینده را بر آن سطوح می‌جسباند و جلوی فعالیت‌های طبیعی روح را می‌گیرد. به همین علت است که درک و اشتیاق به ابدیت از افق روح محو می‌شود و به جای آن، فردهای موهوم جانشین می‌گردد (جعفری تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۲۵).

اگر انسان مقصد خود را فراموش کند و آرزوهای موهوم را جایگزین آن نماید، به تلاش و کوشش برای امور بیهوده و فانی می‌پردازد که موجب نابودی او می‌گردد. می‌توان گفت: این امر مهم‌ترین اثر تخریبی طول امل است که خود آثار مخرب زیادی به همراه دارد.

بنابر آنچه گذشت، کنترل آرزوها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا طول امل کاذب و فریب‌دهنده است، کم‌کاری، عمل زشت، تأخیر توبه و فراموشی آخرت را به دنبال دارد و هر کدام از این امور در هلاکت و نابودی انسان نقش بسزایی دارد.

### مراحل کنترل آرزوها از نگاه امام علی

انسان به هر روی آرزوهایی دارد، اما باید آنها را در جهت مثبت مهار کند و از ابتلا به طول امل جلوگیری نماید. فرایند مهار طول امل، که از لابه‌لای سخنان امام علی علیه السلام استخراج گردیده است، نه تنها راه کنترل آرزوها و پیش‌گیری از ابتلا به طول امل را ارائه می‌دهد، بلکه راه درمانی است برای کسانی که به این بیماری مهلک مبتلا هستند. این فرایند طی سه مرحله صورت می‌گیرد:

### مرحله اول: ایجاد نگرش صحیح

انسان برای مهار آرزوها و به دست آوردن فضایل اخلاقی، باید نسبت به خود، خالق و جهان پیرامون خود، شناخت کافی به دست آورد و هدف از آفرینش خود را بشناسد تا عمر گرانمایه را در راه رسیدن به آرزوهای ناپسند هدر ندهد. از دیدگاه امام اول شیعیان، انسان باید برای مهار آرزوهای خود، نسبت به مسائل ذیل، نگرش صحیحی به دست آورد:

**گام اول: خودشناسی:** بهترین شناخت‌ها «خودشناسی» است. انسان از طریق خودشناسی به کرامت نفس (اسراء: ۷۰) و ارزش‌های عالی انسانی می‌رسد و از اهمیت روح خود، که پرتوی از انوار الهی و نفخه‌ای از نفخات ربانی است، آگاهی می‌یابد. همچنین انسان با شناخت خود به خطرات هوای نفس و انگیزه‌های شهوت پی می‌برد، و سرچشمه‌های مفسد اخلاقی، که ریشه در جان آدمی دارد، برایش آشکار می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۴).

امام علی علیه السلام درباره نقش خودشناسی در جلوگیری از آرزوهای ناپسند می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ شَرَفَ مَعْنَاهُ صَانَهُ عَنْ دَنَاءَةِ شَهْوَتِهِ وَ زُورِ مَنَاهُ؛ کسی که شرافت مقصد خود را بشناسد از پستی شهوت و آرزوی دروغ نگاهش دارد (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۰۱، ح ۸۴/۴۷۳۳).

پس «خودشناسی» یعنی بشر ارزش وجودی خویش و جایگاهش در نظام هستی را بشناسد و از هدف خلقت خود آگاهی یابد. کسی که از حقیقت وجود خویش آگاه است وجود خود را برای رسیدن به امور پست نابود نمی‌سازد.

بنابراین، می‌توان گفت: آرمان‌ها و اعمال کسی که معتقد است برای مقام خلیفه الهی

آفریده شده است، با کسی که برای به دست آوردن دنیا و لذات آن از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند، کاملاً متفاوت است. کسی که از گنج نهفته در درون خود باخبر است، به جای آنکه توان خود را صرف رسیدن به آرزوهای واهی کند، عمر و قوای خود را برای شکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن آنها به کار می‌گیرد.

**گام دوم: نگرش به مبدأ:** کسی که اعتقاد به خدایی دارد که خیر محض و کمال محض است، به جای مشغول شدن به آرزوهای طولانی، در پی تحصیل معرفت و محبت وی برمی‌آید. امام علی علیه السلام درباره تأثیر توحید در تفکر افراد متقی در خطبه همام می‌فرماید: «عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ؛ خالق و آفریدگار در روح و جانشان بزرگ جلوه کرده (به همین سبب)، غیر خداوند در نظرشان کوچک است (سید رضی، ۱۳۹۱، خطبه ۱۹۳).

هر قدر انسان از درک بالاتری نسبت به عظمت پروردگار یکتا برخوردار باشد، بیشتر به سوی معرفت و محبت او رهنمون شده، خانه دل را از غیر خدا خالی می‌سازد؛ زیرا می‌داند غیر خدا کوچک، بی‌مقدار و مقهور خداست. او می‌داند دل خانه خداست و نباید آن را با آرزوهای واهی و طولانی مشغول سازد.

**گام سوم: نگرش به معاد:** اعتقاد به توحید و معاد در راستای یکدیگر قرار دارند. این دو ضامن ایجاد اخلاق فاضله در انسان بوده، سبب می‌شود انسان به مهار آرزوهای طولانی، که از جمله رذایل اخلاقی است، بپردازد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ أُيْقِنَ أَنَّهُ يُفَارِقُ الْأَحْبَابَ وَيَسْكُنُ الثَّرَابَ وَيُوَاجِهُ الْحِسَابَ وَيَسْتَعْنِي عَمَّا خَلْفَ وَيَقْتَرُّ إِلَى مَا قَدَّمَ كَانَ حَرِيًّا بِقَصْرِ الْأَمَلِ وَطُولِ الْعَمَلِ؛ کسی که یقین دارد (به زودی) از دوستان جدا می‌شود و در زیر خاک مسکن می‌گزیند و با حساب الهی مواجه می‌شود و از آنچه بر جای گذاشته بی‌نیاز می‌گردد و به آنچه از پیش فرستاده محتاج می‌شود، سزاوار است که آرزو را کوتاه و اعمال صالح را طولانی کند (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۰، ص ۱۶۷).

اعتقاد به توحید و مبدأ مقدمه و سرچشمه اعتقاد به معاد است؛ زیرا علم، عقل و فهم انسان قادر به درک زندگی پس از مرگ نیست و این خالق یکتاست که آدمی را از امور زشت برحذر می‌دارد؛ زیرا برای او سرای دیگر را ترسیم می‌نماید که در آن به حساب اعمالش رسیدگی می‌شود.

**گام چهارم: باور به مقدرات الهی:** امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لَنْ يُفُوتَكَ مَا قَسَمَ لَكَ، فَأَجْمَلْ فِي الطَّلَبِ؛ آنچه برایت مقدر شده و بهره‌ات باشد از چنگ تو نخواهد رفت. پس در طلب، میان‌رو باش (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳، ح ۲۳/۵۴۸۲).

آدمی به بیش از آنچه خدای متعال برایش مقدر و مقرر فرموده است نخواهد رسید؛ هر قدر هم چاره‌اندیش، زیاده‌خواه و دارای تدبیر قوی باشد. همچنین کمتر از آنچه برایش مقدر شده است، به او نخواهد رسید؛ هر چند بنده‌ای ناتوان بوده و چاره‌اندیشی کمی داشته باشد (همان، ج ۱، ص ۶۶، ح ۴/۳۵۷۸). به راستی، آن‌که این حقیقت را بشناسد و به آن عمل کند در آرزوهای خود حد اعتدال را رعایت می‌کند.

**گام پنجم: استفاده از عقل:** «عقل» در لغت عرب، به معنای بند و بازداري است، و در مفهوم آن، «بازداري و مهار مفید» به چشم می‌خورد (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۵). عقل نمایانگر وجود عنصر و کانون تفکر و اندیشه در انسان است (عثمان، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۹۸).

این واژه از نظر لغت‌شناسان، به معنای «علم به صفات اشیا و فهم و درک آنها» است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶، ص ۲۰۹) و در مقابل جهل قرار دارد (فراهدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۹). امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «عند غرور الأطماع والأمال تنخدع عقول الجهال وتختبر ألباب الرجال»؛ در هنگام فریب دادن طمع‌ها و آرزوهاست که عقل‌های نادانان گول می‌خورد و مردان خردمند آزمایش می‌شوند (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۸، ح ۴۷/۵۵۴۵).

رغبت انسان در امور محال و آرزوهای بسیار از نادانی و تباهی عقل است و کسانی که نادانی آنان را به بلندپروازی واداشته، نافرمانی عقل می‌کنند؛ زیرا دارایی نادان در مال و آرزوی اوست. این از آن روست که عاقل بر عمل خویش تکیه می‌کند و نادان بر آرزوی خویش (همان، ص ۱۴۱، ح ۳۸/ ۶۶۳۲؛ ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۱۴/۶۰۶).

از نظر امام علی علیه السلام وسیله آزمایش و عقل، میزان فریب خوردن آن به وسیله آرزو و طمع است. بنابراین، عاقل کسی است که آرزوی بسیار نکند. پس عقل عاملی مهم در جلوگیری از آرزوهای ناپسند است.

**گام ششم: تفکر در بی‌اعتباری دنیا و عبرت از گذشتگان:** رفتن به گورستان و حضور کنار مزار گذشتگان و تفکر در اینکه دوستان، آشنایان و آدمیان با هر مقام و منصبی در دل خاک مسکن گزیده‌اند، انسان را از غفلت و بی‌خبری بازداشته، به اندیشه وادارد که روزی خودت نیز به این مکان انتقال می‌یابی. این امر انسان را از دل بستن به دنیا و آرزوهای دنیوی باز داشته، آماده سفر آخرت می‌کند (نراقی، ۱۳۸۴، ص ۵۴۲-۵۴۴).

یکی از خطبه‌های **نهج البلاغه** مبین این موضوع است که انسان با مشاهده آثار پیشینیان، که

آرزوهایی درازتر و عمری بیشتر از ما داشتند، عبرت می‌گیرد؛ زیرا دنیا هیچ‌گاه به یاری دنیاپرستان نیامده است، بلکه بعکس، آنها را در زیر آفت‌های گوناگون قرار داده، و با آزمایش‌های گوناگون خوارشان کرده، و با مشکلات و بیچارگی‌ها ذلیلشان نموده و آنها را به صورت به خاک افکنده و پایمالشان کرده، و گردش روزگار را بر ضد آنها برانگیخته است. چنین دنیایی ارزش تقدم بر امور دیگر را ندارد (سید رضی، ۱۳۹۱، خطبه ۱۲/۱۱۱).

امام علی علیه السلام درباره نقش پند گرفتن از دیگران برای مهار آرزوها می‌فرماید: «فَاتَّعَظُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالْعِبَرِ النَّوَافِعِ وَأَعْتَبِرُوا بِالْأَيِّ السَّوَاطِعِ وَأَزْجِرُوا بِالنَّذْرِ الْبِوَالِغِ وَأَنْتَفِعُوا بِالذِّكْرِ وَالْمَوْاعِظِ فَكَأَنَّ قَدْ عَلَقْتُمْكُمْ مَخَالِبُ الْمَنِيَةِ وَأَنْقَطَعَتْ مِنْكُمْ عَلَائِقُ الْأَمْنِيَةِ وَدَهَمَّتْكُمْ مَفْطَعَاتُ الْأُمُورِ وَالسِّيَاقَةُ إِلَيَّ الْوَرْدُ الْمُرُودُ»؛ ای بندگان خدا، از آنچه عبرت‌آور و منفعت‌بخش است پند گیرید، و از آیات روشن در عبرت فرو روید، و از اندازهای رسا و بلیغ بترسید، و از یادآوری و مواظب بهره‌مند گردید؛ آن‌چنان که گویا چنگال مرگ در پیکر شما فرو رفته، و علاقه‌ها و آرزوها از شما رخت بر بسته، و شداید و سختی‌های مرگ و آغاز حرکت به سوی رستاخیز به شما هجوم آورده است (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۱).

بنابر آنچه گذشت، نگرش صحیح نسبت به ارزش وجودی انسان، مبدأ، معاد و جهان پیرامون، انسان را از آرزوهای طولانی بازداشته، به تصمیم‌گیری برای مهار آرزوها و گزینش آنها وادارد.

### مرحله دوم: گزینش و ارزش‌گذاری آرزوها

آدمی در ناحیه آرزو، هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و در عین حال، جلوی آرزوها را نمی‌توان گرفت. از همین‌جا، می‌توان فهمید آرزو در ذات خود، تابع قاعده، منطق و قوانین فکر و عقل نیست و لازم است اصلاح شده، تحت قاعده درآید.

لازم به ذکر است که آرزوهای بی‌نظم و قاعده از نظر آموزه‌های دینی، «آمال شیطانی» نام دارند؛ همان‌ها که آدمی را می‌فریبند، وقت و عمر او را تباه می‌سازند و نیروهای خیال و تفکر را بیهوده مصرف می‌کنند.

بنابراین، انسان باید آرزوهای خود را گزینش کرده، به ارزش‌گذاری آنها پردازد. او باید آرزوهای باطل را، که همانند شاخه‌های اضافی است، حذف کند و به تقویت آرمان‌های صحیح پردازد. در ادامه، چگونگی گزینش و ارزش‌گذاری آرزوها بیان می‌گردد:

**گام اول: ترک آرزوهای محال:** ترک آرزوها از سه جهت قابل بررسی است:

الف. انسان گاهی آرزوی امور محال می‌کند؛ مثلاً، آرزو می‌کند که ایام جوانی برگردد، یا فامیل فلان شخص باشد، یا آرزو می‌کند حادثه‌ای که در گذشته با کیفیت خاصی اتفاق افتاده، ای کاش واقع نشده بود. معلوم است که هیچ‌یک از اینها واقع‌شدنی نیست و تحقق این‌گونه آرزوها غیرممکن است.

ب. گاهی انسان آرزوی امور ناپسندی دارد که موجب دور شدن او از هدف خلقت و ارزش‌های والای انسانی می‌شود؛ مانند زمانی که آرزوی داشتن ثروت فراوان یا مقامات دنیوی هدف انسان قرار گیرد، به‌گونه‌ای که گویی بشر تنها برای زندگی در این جهان خلق شده است.

ج. گاهی نیز آرزوهای انسان محال یا غیرشرعی نیست، ولی برای رسیدن به آنها، باید هزینه زیادی مصرف کند و عمر گران‌بهای خود را برای به دست آوردن آن تلف نماید. این‌گونه آمال نامعقول و غیرصحیح است که باید آنها را ترک نمود.

امام علی علیه السلام به ترک این‌گونه آرزوها دستور داده، می‌فرماید: «انْفَعُ الدَّوَاءِ تَرْكُ الْمُنَى»؛ سودمندترین دارو ترک آرزوست (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۹۸/۶۹۰). ایشان در جای دیگر، در این باره می‌فرماید: «أَشْرَفُ الْغَنَى تَرْكُ الْمُنَى»؛ بهترین غنا و بی‌نیازی ترک آرزوهاست (همان، ح ۹۷/۶۸۹). خوشا به حال کسانی که رنج پیکار با نفس را تحمل کنند و ترس را شعار خود قرار دهند. آرزوهای خود را دروغ شمارند و از لغزش دوری کنند و دنیای خویش را به خاطر آبادی آخرت ویران نسازند (همان، ص ۳۴۳، ح ۳۵/۲۶۰۰).

**گام دوم: کوتاه کردن آرزوها به وسیله زهد:** «قصر امل»، ضد طول امل و به معنای جلوگیری از آرزوی بقای در دنیا و دیگر آرزوهای ناپسند است (نراقی، ۱۳۸۴، ص ۵۳۶-۵۳۷) و به وسیله زهد صورت می‌گیرد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ وَالْوَرَعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ»؛ ای مردم، زهد کوتاهی آرزو، سپاس در برابر نعمت، و پارسایی در مقابل گناه است (سید رضی، ۱۳۹۱، خطبه ۱/۸۱).

امام علی علیه السلام در حدیثی دیگر می‌فرماید: «الزُّهُدُ تَقْصِيرُ الْأَمَالِ وَإِخْلَاصُ الْأَعْمَالِ»؛ زهد آن است که آرزوها را کوتاه کرده، در اعمال خود اخلاص داشته باشی (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۹۲، ح ۱۵/۳۸۰۵).

از احادیث امیرالمؤمنین علیه السلام این مطلب به دست می‌آید که زهد و بی‌رغبتی در امور فانی و زوال‌پذیر معنا می‌یابد؛ زیرا چنین اموری برای آدمی باقی نمی‌ماند و انسان هم برای آن باقی نخواهد ماند.

**گام سوم: جایگزین کردن آرزوهای درست به جای آرزوهای نادرست:** نمی‌توان آرزوها را حذف کرد، بلکه باید جایگزین مناسبی برای آن قرار داد. مفهوم زهد نیز از بین بردن آرزوها نیست؛ همان‌گونه که امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أَصْلُ الزُّهُدِ حُسْنُ الرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ»؛ اساس زهد آن است که میل و رغبت انسان بدانچه نزد خداست نیکو باشد (همان، ص ۴۹۵، ح ۳۲/۳۸۲۲).

خردمند کسی است که در دنیای فانی و پست زهد ورزد و به بهشت والای جاوید بلندمرتبه رغبت کند.

بنابر آنچه گذشت، زهد از بین بردن آرزوها و خواسته‌ها نیست، بلکه جایگزین کردن خواسته‌های صحیح و درست به جای آمال نکوهیده است؛ زیرا اولاً، در احادیث، زهد به معنای «قصر امل» آمده است، نه ترک امل؛ ثانیاً، رغبت در آنچه نزد خدای متعال است، اساس زهد به شمار می‌آید.

امام علی علیه السلام در عباراتی دیگر، انسان را به روی‌گردانی از امور فانی و روی‌آوردن به امور باقی سفارش کرده، در این باره می‌گویند: «كَفَى بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يَعْرِفَ عَمَّا يَفْنَى وَيَتَوَكَّلَ بِمَا يَبْقَى»؛ برای سعادت و نیک‌بختی انسان همین بس که از آنچه نابود شدنی است روی بگرداند، و بدانچه ماندنی است شائق گردد (همان، ص ۴۹۸، ح ۵۷/۳۸۴۷).

دنیا سرایی فانی است که باید از آن دوری کرد و آخرت سرای باقی است که باید به سوی آن شتافت. بنابراین، انسان باید فنا و نیستی دنیا را بشناسد و در آن زهد ورزد، و بقا و ماندن آخرت را دانسته، برایش کار کند.

از مطالب گذشته، به دست می‌آید که اهداف و آرمان‌های آدمی باید بر اساس زندگی اخروی پی‌ریزی شود و از دنیا به‌عنوان وسیله‌ای برای آبادانی و توشه‌برداری برای سرای دیگر استفاده شود، نه اینکه خود دنیای فانی هدف و آرمان قرار گیرد. پس کسانی که دنیا را هدف و آرمان خود قرار می‌دهند از آن‌رو که به امور فانی دل بسته‌اند، نابود می‌گردند. اما آنها که رسیدن به مقامات اخروی را سرلوحه اهداف خود قرار می‌دهند به امور باقی دل بسته‌اند و آرمان‌های آنها پایدار و در جهت سعادت ایشان است.

**گام چهارم: واقع‌بینی:** آدمی باید واقع‌بین باشد و به آرزوها تکیه نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا تَفِي الْأَمَانِيُّ لِمَنْ عَوَّلَ عَلَيْهَا»؛ کسی که به آرزوها تکیه کند، آنها با او وفا نکنند (همان، ص ۱۱۲، ح ۱۱۶/۷۰۸). واقع‌بینی و دوری از خیال‌پردازی موجب می‌شود انسان به آرزوهای معقول خود دست یابد.

همان‌گونه که گذشت، حقیقت زهد جایگزین کردن آمال صحیح به جای آرزوهای نکوهیده است. پس می‌توان گفت: انسان باید آرزوهای خود را گزینش کند، و برای این امر باید مراحل طی نماید: ۱. شناسایی آرزوهای درست و آمال نکوهیده؛ ۲. حذف آرزوهای محال و کاذب؛ ۳. تبدیل آرزوهای دست‌نیافتنی به آرزوهای قابل دسترس؛ ۴. جایگزین کردن آرزوهای صحیح به جای آرزوهای کاذب؛ ۵. تبدیل آرزوها به اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت.

هدف بلندمدت، خداوند متعال و رضایت و خشنودی اوست که دیگر اهداف در جهت آن قرار می‌گیرد. در این مرحله، انسان باید به تلاش و کوشش برای رسیدن به اهداف خود بپردازد و وارد مرحله بعدی گردد.

### مرحله سوم: فرایند اجرا و عمل

در این بخش، مبارزه انسان با آمال نکوهیده در رفتار و عملکرد او آشکار شده، عملاً به مبارزه با این آرزوها می‌پردازد. این مرحله دارای بخش‌های ذیل است:

**گام اول: عملکرد درونی (نفسانی):** در این مرحله، نگرش به دست آمده در مرحله اول، از علم به عمل و از حالت بالقوه به حالت بالفعل درمی‌آید.

۱. ایمان: عبارت است از: جاگیر شدن اعتقاد در قلب که مهار کننده‌ای قوی در برابر آرزوها می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۷۲). امام علی علیه السلام یکی از نشانه‌های ایمان را قصر امل دانسته، در این باره می‌فرماید: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ الصِّدْقُ وَالْيَقِينُ وَقَصْرُ الْأَمَلِ»؛ مؤمن سه نشانه دارد: راستی، یقین، آرزوی کوتاه (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۶۷۵/۶۷۶).

هر قدر انسان از ایمان بالاتری برخوردار باشد، به میزان بیشتری می‌تواند در برابر آرزوهای ناپسند ایستادگی کند. «تقوا» از ریشه «وقایه» و به معنای «خودنگه‌داری» بوده و یکی از مراحل عالی ایمان است که کوتاهی آرزو را به همراه دارد. پیشوای اول شیعیان در این باره می‌فرماید: «لِلْمُتَّقِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ وَقَصْرُ الْأَمَلِ وَأَعْتِنَامُ الْمَهْلِ»؛ برای انسان باتقوا سه نشانه است: اخلاص عمل، کوتاهی آرزو، غنیمت شمردن فرصت‌ها (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۱۸/۲۵).

دوستان خدا تقوا پیشه می‌کنند و این موجب می‌شود که آنان آرزوها را دروغ شمرده، به انجام عمل بپردازند (سید رضی، ۱۳۹۱، خطبه ۷/۱۱۴). پس انسان باید به خود پند دهد و تقوای الهی پیشه کند؛ زیرا مرگ او پنهان است و شیطان به وسیله آرزوها او را فریب می‌دهد (همان، خطبه ۶/۶۴).

«یقین» نیز یکی دیگر از مراحل عالی ایمان و از تقوا برتر است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۷، ص ۱۳)، و مراد از آن اعتقاد جازم و ثابتی است که از روی دلیل و برهان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۲۸۳-۲۸۴). این یکی دیگر از عوامل مهم قصر امل و کنترل‌کننده قوی برای آرزوهای ناپسند است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «يُسْتَدَلُّ عَلَى الْيَقِينِ بِقَصْرِ الْأَمَلِ وَإِخْلَاصِ الْعَمَلِ وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا»؛ نشانه وجود یقین کوتاهی آرزو، اخلاص عمل و بی‌رغبتی در دنیا است (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۱۳، ح ۶۲/۱۰۸۸۷).

۲. پناه بردن به خدا: آرزوهای طولانی از دام‌های شیطان و نفس اماره است، نفس از درون و شیطان از بیرون، انسان را به سوی آرزوهای طولانی فرامی‌خوانند. پس برای مقابله با آنها باید به خدا پناه برد و از او درخواست یاری کرد. مولای متقیان علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فِي كُلِّ أَمْرٍ وَأَحَدَةٍ مِنْ ثَلَاثِ الطَّيْرَةِ وَالْكَبْرِ وَالْتَمَنِّي فَإِذَا تَطَيَّرَ أَحَدَكُمْ فَلْيَمُضْ عَلَى طَيْرَتِهِ وَيَذْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَإِذَا خَشِيَ الْكَبْرَ فَلْيَأْكُلْ مَعَ عَبْدِهِ وَخَادِمِهِ وَيَحْتَبِ الشَّاةَ وَإِذَا تَمَنَّى فَلْيَسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيَبْتَهِلْ إِلَيْهِ وَلَا يَنَازِعْهُ نَفْسَهُ إِلَى الْإِثْمِ»؛ در هر کس، یکی از این سه خصلت هست: تکبر، بدفالی، آرزوی بیجا. هرگاه یکی از شما گرفتار تکبر شد با بنده و خدمت‌کارش هم‌غذا شود، و گوسفند بدو شود؛ و چون فال بد زد بدان اعتماد نکند و نام خدا را ببرد و کار را بگذراند؛ و چون آرزوی بیجایی کرد از خدا درخواست کند و خود را به دست نفس اماره ندهد که او را به گناه کشاند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۹۱؛ حویزی عروسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۷۴؛ بابویه قمی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۲۴).

یاران حق تلاش خود را با یاری حق تعالی همراه می‌سازند، تا از تیررس اوهام و آرزوهای کاذب به‌دور مانند. به همین سبب، جز به خدا به هیچ پایگاهی پناه نمی‌آورند، و جز بر خدا بر هیچ قدرتی امور خود را وانمی‌گذارند. دل‌های آنان با حق تعالی انس برقرار ساخته است. بنابراین، طمع موهوم و آرزوی کاذب نمی‌تواند، جایی برای خود در دل‌های آنان باز کند (شرفاوی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۷).

۳. یاد مرگ: کسانی که گرفتار آرزوهای طولانی و آمال نکوهیده هستند، از مرگ هراسان بوده و یادآوری آن برای آنها ناخوشایند است. اما یاد مرگ نه تنها از ابتلا به این بیماری جلوگیری می‌کند، بلکه راه درمان نیز به شمار می‌آید. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَمَصِيرَهُ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَغُرُورَهُ»؛ اگر انسان سرآمد زندگی و عاقبت کارش را می‌دید آرزوها و غرورش را دشمن می‌شمرد (سید رضی، ۱۳۹۱، حکمت ۳۳۴). شبیه این حکمت در جاهای دیگر آمده است: رک: تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۳، ح ۳۳/۶۹؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۰، ص ۱۶۶).

هنگامی که انسان جنازه کسی را مشاهده می‌کند که بر تابوت قرار دارد، باید به اندیشه و تأمل فرو رود که خود نیز روزی در این جایگاه قرار می‌گیرد (نراقی، ۱۳۸۴، ص ۵۴۲-۵۴۴) و شگفت‌انگیز اینکه کسی که اجل خود را در اختیار ندارد، چگونه آرزویش را دراز می‌گرداند؟! (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۵۴/۶۴۶). امام علی علیه السلام مردم را به یادآوری زیاد مرگ فراخوانده، می‌فرماید: «أَلَا فَادْكُرُوا هَادِمَ اللَّذَاتِ وَمُنْعَصَ الشَّهَوَاتِ وَقَاطِعَ الْأُمْنِيَّاتِ»؛ به هوش باشید! نابدکننده لذات و بر هم زننده کام‌یابی‌ها و قطع‌کننده آرزوها (یعنی مرگ را) بسیار بخاطر بیاورید! (سید رضی، ۱۳۹۱، خطبه ۱۰/۹۹).  
یاد مرگ، دروکننده آرزوست و بدین‌روی، کسی که نگران مرگش باشد آرزویش را کوتاه می‌گرداند (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۳، ح ۶۵) و رغبت خود را در دنیا کم می‌کند؛ زیرا چیزی یقینی‌تر از مرگ وجود ندارد؛ همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا تَكُونُوا يَدْرِكِكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ» (نساء: ۷۸)؛ هر جا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد، هر چند در برج‌های محکم باشید!  
مرگ قضیه‌ای حتمی است و راه فراری از آن وجود ندارد (جمعه: ۸) و سپس انسان در پیشگاه خداوند قرار می‌گیرد.

البته باید توجه داشت که یاد مرگ به صورت مقطعی و با دلی آکنده از شهوات نفسانی و غلابی دنیوی، بی‌فایده است، بلکه انسان باید به صورت دائمی در اندیشه مرگ باشد. اندیشه دائمی مرگ موجب می‌شود انسان آرزوی دنیا را نداشته و مهیای سفر آخرت باشد؛ مانند کسی که سفر داری در پیش دارد و در راه آن گرفتار بیابان‌های بی‌علف و دریا‌های وحشت‌انگیز شده است و فکری جز مرگ ندارد (نراقی، ۱۳۸۴، ص ۵۴۱).

امام اول شیعیان برای کسانی که دایم به یاد مرگ هستند، دعا کرده، چنین می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَلِمَ أَنَّ نَفْسَهُ خَطَاةٌ إِلَىٰ أَجَلِهِ فَبَادَرَ عَمَلَهُ وَقَصَرَ أَمَلَهُ»؛ خداوند رحمت کند کسی را که بداند نفس‌های او گام‌هایی است که به سوی مرگ برمی‌دارد، پس در عمل شتاب کند، و آرزویش را کوتاه کند (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۲۲/۷۱۴۸).

۴. **توجه مستمر به کوتاه‌های عمر:** تندرستی و نعمت‌های خداوند نباید انسان را مغرور سازد؛ زیرا مدت عمر اندک است. پس انسان باید شتاب در انجام کارهای نیکو را جایگزین طول امل سازد. امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود، انسان را از اندیشه عمر طولانی برحذر داشته، می‌فرماید: «فَأَزْمِعُوا عِبَادَ اللَّهِ، الرَّحِيلَ عَنِ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ عَلَيَّ أَهْلِهَا الزَّوَالُ، وَلَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا الْأَمَلُ، وَ لَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ»؛ ای بندگانی خدا، تصمیم کوچ کردن از سرایی بگیریید که سرانجام به نیستی می‌گراید. مبادا آرزوها بر شما چیره

شوند. خیال نکنید عمر طولانی خواهید داشت (بنابراین، از مرکب غرور فرود آید و از دنیاپرستی و خودخواهی و تعدی و تجاوز بر دیگران دست بردارید) (سید رضی، ۱۳۹۱، خطبه ۵۲/۴).  
ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «قَصِّرِ الْأَمَلَ؛ فَإِنَّ الْعُمَرَ قَصِيرٌ، وَأَفْعَلِ الْخَيْرَ فَإِنَّ يَسِيرَهُ كَثِيرٌ»؛ آرزو را کوتاه کن که عمر کوتاه است، و کار خیر انجام ده که کم آن نیز بسیار است (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۵، ح ۴۴/۶۳۶).

**گام دوم: عملکرد بیرونی (رفتاری):** در این گام، انسان باید به اصلاح و جهت‌دهی رفتار خود پردازد: **پرداختن به کار و تلاش:** جهان ما جهان حرکت است. از بزرگ‌ترین کرات تا کوچک‌ترین ذره‌ها همیشه به کار و فعالیت مشغولند. انسان نیز از این قاعده مستثنا نیست، و آدمی هر چند به ظاهر بیکار باشد، ولی روح و مغز او نمی‌تواند بیکار باشد و دایم در حال حرکت است و از خاطره‌ای به خاطره‌ای و از تصویری به تصور دیگر منتقل می‌شود. در ناحیه بدن نیز بشر بیکار مطلق نیست و ناگزیر باید چیزهایی را ببیند و تماشا کند؛ اما انسان به حکم اینکه آزاد آفریده شده است، میدان عمل وسیعی دارد.

اگر انسان روح را به حال خود واگذار کند دایم در میان خیالات باطل و گذشته غوطه‌ور می‌شود، ولی اگر عمل روح را تحت نظم و قاعده درآورد عملی فکر می‌کند و تفکرش همیشه تولیدکننده اندیشه نو و صحیح خواهد بود (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۴۹). پس انسان باید از بیکاری پرهیز کند؛ زیرا این عامل آرزوهای دروغین را پرورش می‌دهد؛ ولی اگر به کار و فعالیت پردازد، مجالی برای ورود اَمال کاذب باقی نمی‌ماند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اجْعَلْ رَفِيقَكَ عَمَلَكَ وَعَدُوَّكَ أَمَلَكَ»؛ رفیق خویش را عمل، و دشمنت را آرزوی خود قرار ده (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۳۴/۷۱۹۳).

به‌راستی، دوستان خدای تعالی کسانی هستند که مرگ خود را نزدیک و آرزوی خود را دروغ بدانند؛ کسانی که عملشان بسیار و لغزشش اندک باشد (همان، ج ۱، ص ۳۱، ح ۱۱/۴۷، ص ۵۵، ح ۵۵/۲۴۰).

امام علی علیه السلام در عبارت دیگری، مردم را به کار و فعالیت واداشته و از آرزوهای کاذب برحذر می‌دارند: «بَادِرُوا الْعَمَلَ وَأَكْذِبُوا الْأَمَلَ وَ لَاحِظُوا الْأَجَلَ»؛ کار کنید و آرزو را دروغ بدانید، و مرگ را ملاحظه کنید (که ناگهان درمی‌رسد) (همان، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۶۶/۲۲۵).

انسان باید در دوران حیات خود به عمل پردازد؛ زیرا در این هنگام، پرونده‌ها باز، بساط توبه گسترده، فراریان از اطاعت خدا به سوی آن خوانده می‌شوند، و بدکاران امید بازگشت و پاک شدن دارند (همان، ج ۱، ص ۴۸، ح ۹۸/۱۸۸). پیشوای اول شیعیان در حدیثی، به کوتاه‌های

آرزو و توجه به اعمال صالح دعوت کرده، می‌فرماید: «قَصِّرُوا الْأَمَلَ وَخَافُوا بَغْتَةَ الْأَجْلِ وَبَادِرُوا صَالِحَ الْعَمَلِ»؛ آرزو را کوتاه کنید و از در رسیدن ناگهانی مرگ بترسید، و به عمل شایسته مبادرت ورزید (همان، ص ۱۰۵، ح ۴۱/۶۳۳).

درباره تفاوت تعبیر «کوتاه کردن آرزوها» و «دروغ دانستن آمل»، باید گفت: گونه‌ای از آرزوها باید به‌طور کلی حذف شوند که از آنها به «آمال کاذب» تعبیر می‌کنند، و گونه‌ای آرزوها باید اصلاح شوند که راه مهارشان قصر (کوتاهی) آنهاست.

امیرالمؤمنین علیه السلام انسان را دعوت می‌کنند که جلوتر از آرزوهای خود باشد و دایم به کار و تلاش مبادرت ورزد: «بَادِرُوا الْأَمَلَ وَ سَابِقُوا هُجُومَ الْأَجْلِ؛ فَإِنَّ النَّاسَ يُوشِكُ أَنْ يَنْقَطِعَ بِهِمُ الْأَمَلُ فَيُرْهَقَهُمُ الْأَجَلُ»؛ بر آرزو پیشی بگیرید و بر هجوم اجل سبقت بگیرید. به‌راستی مردم به بریده شدن آرزوها و فرا گرفتن اجل‌ها نزدیکند (همان، ص ۵۳، ح ۱۳۰/۲۲۰).

پیشی گرفتن بر آرزوها دارای دو معناست:

۱. آرزوها را به پشت سر خود رانده، در پی آن نروید.

۲. کارهای خیر را بر آرزوها مقدم کنید.

«پیشی گرفتن بر اجل» نیز به معنای آن است که قبل از رسیدن اجل، به انجام کارهای خیر مبادرت ورزید؛ زیرا اجل بدون اجازه وارد می‌شود و آرزوها را قطع می‌کند (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۴۸).

معمولاً افرادی که از لحاظ روح و روان، سالم و بانشاط هستند و انحرافی پیدا نکرده‌اند کمتر به تخیل و به هم بافتن آرزوهای دور و دراز و نامعقول می‌پردازند؛ همیشه عملی فکر می‌کنند؛ یعنی آرزوهای آنان در جهت همان مدارای است که در زندگی دارند، و خیال‌پردازی نکرده، امور ناشدنی را آرزو نمی‌کنند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱).

بنابر آنچه گذشت، باید گفت: کار و فعالیت موجب سرگرمی فکری می‌شود و این خود دو نتیجه دارد:

۱. دیگر مجالتی برای فعالیت قوه خیال باقی نمی‌ماند.

۲. اندیشه انسان عادت می‌کند منظم کار کند و از پریدن از شاخه‌ای به شاخه‌ای دیگر خلاص می‌گردد.

لازم به ذکر است کسانی که کار و تلاش می‌کنند تا از آرزوهای دروغین رهایی یابند، باید به نکات ذیل توجه داشته باشند:

**الف. غنیمت شمردن فرصت‌ها و مدیریت زمان:** «اغتنام فرصت» یکی از مهم‌ترین عوامل تکامل و مدیریت زمان به معنای «استفاده بهینه از فرصت‌ها» است. مهم‌ترین فرصت‌ها سرمایه‌گران بهای عمر

است که انسان باید از آن صحیح استفاده کند، و بالاترین کفران نعمت عمر این است که انسان اندیشه خود را در مسیر انحرافی صرف نماید (صافی اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۹۳۸). مولای متقیان غنیمت شمردن فرصت‌ها را یکی از راه‌های مهار آرزوهای ناپسند دانسته، در این باره می‌فرماید: «اَكْذِبُوا آمَالَكُمْ وَاعْتَمُوا آجَالَكُمْ بِأَحْسَنِ أَعْمَالِكُمْ، وَبَادِرُوا مُبَادِرَةَ أَوْلَى النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ»؛ آرزوها را دروغ بدانید، و از عمر خود با انجام بهترین عمل‌ها غنیمت بگیرید، و همانند سبقت گرفتن مردمان خردمند سبقت بگیرید (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۸۷/۶۸۰).

ایشان در حدیثی دیگر، همین مطلب را بیان کرده، مردم را به کوتاهی آرزو با استفاده از مغنم شمردن فرصت‌ها دعوت می‌کنند: «رَحِمَ اللَّهُ أُمَّرَةً قَصَّرَ الْأَمَلَ وَبَادَرَ الْأَجَلَ وَاعْتَمَتِ الْمَهْلَ وَتَزَوَّدَ مِنَ الْعَمَلِ»؛ خدا رحمت کند کسی که آرزو را کوتاه کند و بر اجل خویش پیشی گیرد و فرصت را مغنم شمرد، و از عمل توشه برگیرد (همان، ص ۳۴، ح ۴۵/۸۱). شبیه این حدیث در روایتی دیگر آمده است (همان، ص ۱۰۷، ح ۵۶/۶۴۸).

بهترین فکر و اندیشه، فکری است که موجب از دست دادن فرصت‌ها نشود. پس انسان باید پیش

از پایان یافتن زمان عمر، به بهره‌برداری صحیح از آن اقدام کند؛ همان‌گونه که امام اول شیعیان می‌فرماید: «فَبَادِرُوا الْمَعَادَ وَسَابِقُوا الْأَجَالَ؛ فَإِنَّ النَّاسَ يُوشِكُ أَنْ يَنْقَطِعَ بِهِمُ الْأَمَلُ وَيُرْهَقَهُمُ الْأَجَلُ وَيُسَدَّ عَنْهُمْ بَابُ التَّوْبَةِ. فَقَدْ أَصْبَحْتُمْ فِي مِثْلِ مَا سَأَلَ إِلَيْهِ الرَّجْعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ»؛ به سوی قیامت مبادرت ورزید و پیش از آنکه اجل فرا رسد کار کنید. چه نزدیک است که آرزوی مردم قطع گردد؛ مرگ آنها را در آغوش کشد و باب توبه به رویشان مسدود شود؛ همانند کسانی که پیش از شما بودند و پس از مرگ، تقاضای بازگشت به جهان کردند (اما پذیرفته نشد) (سید رضی، ۱۳۹۱، خطبه ۱۳/۱۸۳).

امام هشدار می‌دهند که انسان باید پیش از فرارسیدن اجل و بسته شدن باب توبه، به تهیه زاد و توشه برای آخرت مبادرت ورزد و به اعمال صالح پردازد؛ زیرا با آمدن اجل، مهلت تمام شده، باب توبه بسته می‌گردد (مدرس وحید، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۰۳-۳۰۵).

بنابراین، آدمی باید در زمان حال، که حیات دارد و از نعمت سلامتی و امنیت برخوردار است، به عمل پردازد (بحرانی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۰۵) و همانند پیشینیان، که روزگار خود را به غفلت گذرانیدند، نباشد؛ آنها که آرزوی بازگشت دارند، ولی پاسخ منفی دریافت می‌کنند (مدرس وحید، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۰۳-۳۰۵).

**ب. زندگی در زمان حال:** انسان باید در زمان حال، به انجام عمل پرداخته، از بیکاری به امید فردا پرهیز کند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ مَاضِيَ عُمْرِكَ أَجَلٌ وَأَتْيَةُ أَمَلٌ وَالْوَقْتُ عَمَلٌ»؛ راستی



بنابر آنچه گذشت، آدمی باید این روحیه را هنوز دیر نشده و هنوز وقت باقی است، از خود دور کند و این فرصت عمر و زندگی را غنیمت شمرده، از آن استفاده کند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۵۶). انسان باید پس از ایجاد نگرش صحیح، تعیین اهداف و ایجاد اطمینان قلبی، نهایت تلاش خود را برای رسیدن به اهدافش به کار گیرد، حتی لحظه‌ای را هدر ندهد و نتیجه را به خدا واگذارد؛ زیرا اگر از نظر ظاهری به اهداف خود رسید که به نتیجه مطلوب دست یافته است، و اگر به اهداف خود نرسید باید با نگاه به گذشته، اشتباهات خود را شناسایی کرده، جبران نماید و در هر حال، اگر به وظیفه خود عمل کرده باشد، چون آرمان اصلی او خدا و رضایت اوست، پس به نتیجه مطلوب دست یافته و پاداش او نزد خدا محفوظ است.

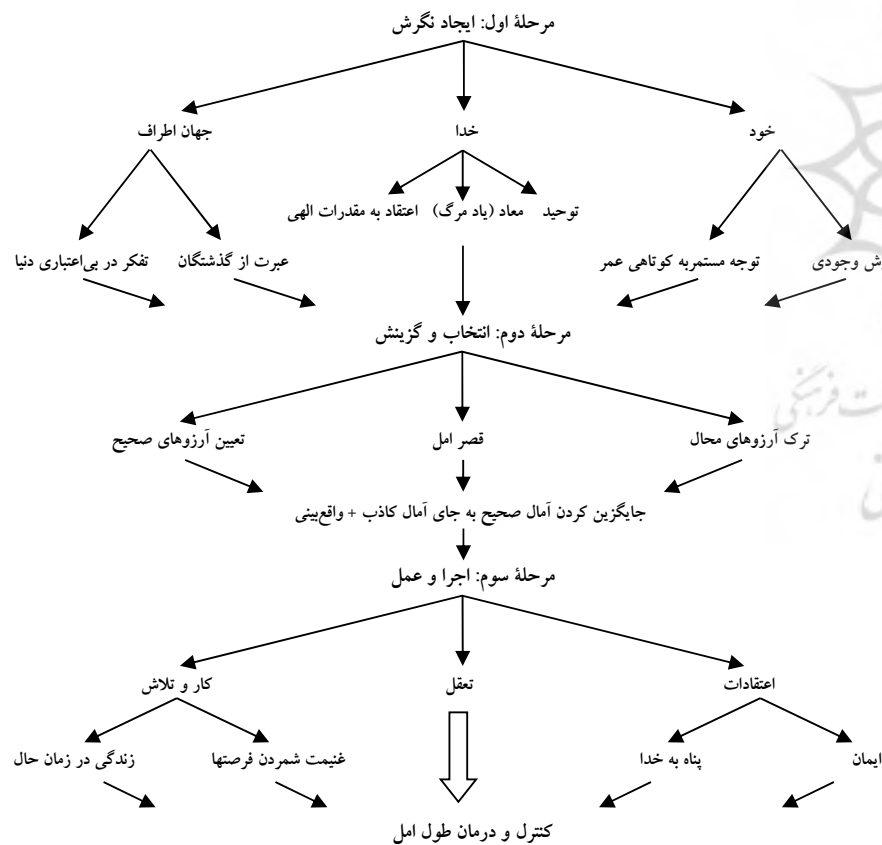
که گذشته عمر زمانی است که به سر آمده، و آینده آن نیز فقط امیدی است (که معلوم نیست بدان برسی) و هم‌اکنون وقت عمل است (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۱۶۷/۱۴۲). در توضیح این حدیث، یکی دیگر از احادیث امام علی علیه السلام ذکر می‌شود که به صورت واضح این مطلب را بیان می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «دنیا سه روز است: روزی که با هر چه در آن بود، گذشت و باز نخواهد گشت؛ و روزی که در آن هستی و سزاوار است که آن را غنیمت دانی؛ و روزی که نمی‌دانی از آن که خواهد بود. و چه بسا تو در آن به سرای دیگر رخت برکشی. روز گذشته حکیمی ادب‌کننده است، و روزی که در آنی دوستی در حال وداع. اما فردا را تنها به آمدنش امید داری. پس، از امروز توشه بگیر و از آن به شایستگی جدا شو. فقط به کاری که کرده‌ای اطمینان داشته باش، و از دل بستن و فریفته شدن به آرزو بپرهیز. غم فردا را امروز به خود راه مده که غم امروز تو را بس است، و فردا با کار و گرفتاری خود بر تو وارد خواهد شد. اگر غم فردا را بر امروز خود بار کنی بر اندوه و رنج خویش افزوده‌ای، و بار چیزهایی که باید در چند روز بکشی در یک روز کشیده‌ای؛ و بدین‌گونه اندوه خود را بزرگ، و گرفتاری خود را فراوان، و رنج خود را زیاد کرده‌ای. و با دل بستن به امید و آرزو، از اقدام و کوشش بازمانده‌ای، در حالی که اگر دل خویش از آرزو تهی ساخته بودی، به کوششی بیشتر برمی‌خاستی» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۰، ص ۱۱۲؛ خراسانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۷۷؛ حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۰۹).

ایشان در ادامه این حدیث می‌فرمایند: «آیا نمی‌بینی که دنیا ساعتی میان دو ساعت است؟ ساعت گذشته و ساعت باقی‌مانده و ساعتی که در آنی. تو اکنون از آسایش ساعت گذشته و ساعت آینده لذتی نمی‌یابی، و از سختی آنها دردی احساس نمی‌کنی. پس ساعت گذشته و ساعتی را که اکنون در آنی، همچون دو مهمان بدان که بر تو وارد شده‌اند. آن‌که از پیش تو رفته تو را نکوهش می‌کند، و آن‌که بر تو وارد شده تجربه‌ای از گذشته برایت آورده است» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۷۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه خود به ابوذر غفاری می‌فرمایند: «ای ابوذر، از آن بپرهیز که خیالات و آرزوها سبب شوند کار امروز را به فردا بیفکنی؛ زیرا تو متعلق به امروز و مال امروز هستی، نه مال روزهای آینده. در آنجا که کار مفید و خداپسندانه می‌خواهی تأخیر و دفع وقت روا مدار» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۵۶).

خواجه عبدالله انصاری در اصالت لحظه، می‌گوید: «دیروز که گذشت باز نیاید، فردا را اعتماد نشاید، لحظه را دریاب که دیری نپاید» (همان).

نمودار (۱): فرایند مهار آرزوهای دور و دراز



## نتیجه‌گیری

خطور آرزو به ذهن اجتناب‌ناپذیر است و عیبی هم محسوب نمی‌شود، اما مهم، کنترل آن است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا اگر آرزوهای انسان با آموزه‌های دینی و قوه عقل هماهنگ شده، به اهداف تبدیل شوند، آدمی به غایت مطلوب خود، که همان کمال است، دست می‌یابد. به بیان دیگر، اگر آدمی هدف اصلی خود را خداوند متعال قرار دهد، چه به اهداف فرعی خود برسد و چه به آنها دست نیابد به هدف اصلی آفرینش، یعنی کمال دست می‌یابد، و این امر سعادت او را در دنیا و آخرت به همراه دارد. اما اگر آرزوها در مرحله آرزو ماند، یا توسعه داده نشود و به «طول امل» بینجامد، کم‌کاری، عمل زشت و نابودی شخصیت را به همراه دارد و سپس موجب نومیدی انسان خواهد شد. نومیدی نیز کفر به همراه دارد و سرانجام، این آمل کاذب موجب هلاکت انسان در دنیا و آخرت می‌شود.

بنابراین، انسان باید در همان آغاز، آرزوهای خود را مهار کند تا به بیماری مهلك «طول امل» دچار نشود، و اگر به این عارضه مبتلا شد باید به درمان خود بپردازد و آرزوهای خود را تحت نظم و قاعده درآورد که این امر در سه مرحله صورت می‌گیرد:

در مرحله اول، باید به نگرش صحیحی دست یابد. ارزش وجودی خود را یافته، از مبدأ و معاد آگاهی یابد و بداند که دنیا تنها وسیله‌ای برای رسیدن به سرای دیگر بوده و او موجودی ماندگار است. پس باید آرمان‌هایی ماندگار داشته باشد تا به سعادت دست یابد و اگر به امور فانی و زودگذر دل بندد سرانجامش نابودی است. پس باید آرمان و هدف اصلی خود را خداوند متعال قرار دهد و دیگر آرزوها را در طول این هدف والا پی‌ریزی نماید. از آن‌رو، آرمان‌های فرعی او به ذات ازلی و ابدی متصل می‌شود به آرمان‌هایی ماندگار و پایدار تبدیل می‌گردد. اما اگر آرمان و هدف او دنیای فانی بوده و دیگر آرزوها را بر اساس آن پی‌ریزی کند، آرمانش به آرمانی فانی تبدیل شده و سرانجام او نابودی است.

سپس به مرحله دوم منتقل شده و بر اساس آرمان اصلی خود، به مهار، حذف و جای‌گزینی آرمان‌های فرعی بپردازد و در تعیین آرزوها، توان، استعدادها، ظرفیت و موقعیت خود را در نظر بگیرد و اصل «واقع‌بینی» را فراموش نکند. پس از آن وارد مرحله سوم شده، ایمان، اطمینان قلبی و توکل را در خود ایجاد کند و افزایش دهد و با کمک نیروی عقل، برای رسیدن به اهداف خود، به برنامه‌ریزی صحیح بپردازد. سپس وارد مرحله اجرا شده، با تمام توان، به تلاش و کوشش برای رسیدن به اهداف خود بپردازد و حتی لحظه‌ای را بیکار نماند و به انجام فعالیت بپردازد. در این صورت، امید زیادی وجود دارد که به نتیجه مطلوب دست یابد و اگر به احتمال ضعیف به هدف فرعی خود نرسید به سبب انجام وظیفه و تلاش، کمال، که همان عبودیت و هدف والای آفرینش است، برای او محقق شده است.

## منابع

- قرآن مجید، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی
- سید رضی، ۱۳۹۱، *نهج البلاغه*، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم، امام علی علیه السلام.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۳۶۳، *لسان العرب*، مراجعه و تدقیق: یوسف البقاعی، ابراهیم شمس الدین، نعال علی، تونس، دار المتوسطة للنشر والتوزيع.
- احمدبن فارس، ۱۴۱۸ق، *معجم المقاییس اللغة*، بیروت، دار الفكر طباعة والنشر والتوزيع.
- بابویه قمی، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، جامعه المدرسین.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۲، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.
- بحرانی، میثم، ۱۳۶۲، *شرح نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر کتاب.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۸، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۸۵، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوهری، ابراهیم بن حماد، ۱۳۶۷، *صحاح*، تهران، چاپ گویا.
- حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد و علی حکیمی، ۱۳۸۰، *الحیة*، ترجمه: احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حویزی عروسی، عبدعلی جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان.
- خراسانی، علم الهدی، ۱۳۷۴، *نهج الخطابة*، تهران، کتابخانه صدر.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد، ۱۳۶۶، *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، مصحح: میرجلال‌الدین حسینی اموری محدث، تهران، دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب إلى الصواب*، قم، شریف رضی.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۴۲۶ق، *مفردات الفاظ القرآن کریم*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، نجف، طلیعة النور.
- شارحی از قرن هشتم، ۱۳۷۵، *شرح نهج البلاغه*، مصحح: عزیزالله عطاردی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، انتشارات عطارد.
- شرفاوی، حسن محمد، ۱۳۷۵، *گامی فراسوی روان‌شناسی اسلامی یا اخلاق و بهداشت روانی در اسلام*، ترجمه: سیدمحمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صافی اصفهانی، حسن، ۱۳۸۳، *شوق وصال*، قم، مؤسسه فرهنگی صاحب الامر علیه السلام.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۸ق، *معجم البحرین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عثمان، عبدالکریم، ۱۳۷۳، *روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*، ترجمه: سیدمحمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۳۸۳، *العین*، تحقیق: محمد مخرومی و ابراهیم سامرایی، تصحیح: اسعد الطیب، تهران، اسوه.

- فولادگر، محمد، ۱۳۸۷، *مبدأ تا معاد در نهج البلاغه یا اصول اعتقادی در کلام امام علی*، اصفهان، بوستان فدک.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزرات ارشاد اسلامی.
- کلینی رازی، محمدبن یعقوب، بی تا، *اصول کافی*، ترجمه: سیدجواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران، اسلامیة.
- مدرس وحید، احمد، بی تا، *شرح نهج البلاغه مدرس وحید*، قم، احمد مدرس وحید.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *حکمتها و اندرزها*، تهران، صدرا.
- مقدی الغیومی، احمد، ۱۴۲۵ق، *مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، مؤسسه دار الهجرة.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ، ۱۳۷۵، *پیام امام شرح جامع و تازه‌ای بر نهج البلاغه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ، ۱۳۸۷، *اخلاق در قرآن*، قم، انتشارات امام علی.
- نراقی، ملااحمد، ۱۳۸۴، *معراج السعادة*، قم، انتشارات قائم آل محمد.
- نعمان، محمد (شیخ مفید)، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله، ۱۳۵۸، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تصحیح: سیدابراهیم میانجی، تهران، مکتبه الاسلامیه.

